

ترجمه و برداشتی

از:

قرآن مجید

جزوه شصت و ششم

ترجمه و برداشت: از استاد سید حسن ابطحی

تنظیم موضوعی: جمعی از دانشمندان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ *

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ
وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ لَا سِوَا عَلَى
بَقِيَّةِ اللَّهِ رُوحِي وَأَرْوَاحُ الْعَالَمِينَ لِتُرَابٍ مَقْدَمِهِ الْفِدَاءُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیشگفتار

این جزوه باموضوع بندی مسئله «تزکیه نفس» از آیات قرآن تنظیم شده و هر آیه ای که مربوط به موضوعی از این علم است بعد از همان آیه ترجمه شده و سپس برداشتی از آیات در فصل جداگانه ای ارائه داده شده است. و بخاطر آنکه مباحثمان فعلاً در مسائل تزکیه نفس است قبل از مسائل اعتقادی آیاتی که مربوط به مراحل تزکیه نفس است در این جزوه آورده شده است.

ضمناً نباید گمان کرد، آنچه را که در اینجا می نویسیم تفسیر آیات قرآن بوده و یا حتی توضیح قرآن است. بلکه فقط یک نوع راهنمایی است که برای تدبّر بیشتری در قرآن و توجّه دوستان به سخنان حضرت حقّ جلّ و علایادآوری شده است.

تا ان شاء الله سالکین إلى الله با تأمل زیادتری موفّق به قرائت قرآن گردند. و ضمناً آیاتی که در این جزوه قرائت می شود جابجا شده و تنظیم موضوعی گردیده است.

یعنی اگر شما بخواهید آیانی که مربوط به تزکیه نفس است را پشت سر هم قرائت کنید به ترتیب قرآن مجید در این جزوه آورده شده است و بعدها سایر آیات که مربوط به عقاید و فروع احکام است در جزوات جداگانه ای آورده خواهد شد ان شاء الله.

به امید موفقیت و السلام

سید حسن ابطحی



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

آيات ٣٦ - ٢٣ از سورة مباركة نمل

إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ ﴿٢٣﴾

وَجَدْتُهَا وَ قَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ

أَعْمَاهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ ﴿٢٤﴾ أَلَّا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي

يُخْرِجُ الْخَبَاءَ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ يَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَ مَا تُعْلِنُونَ ﴿٢٥﴾

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿٢٦﴾ قَالَ سَنَنْظُرُ أَ صَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ

مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٢٧﴾ اذْهَبْ بِكِتَابِي هَذَا فَأَلْقِهْ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَانْظُرْ مَاذَا

يَرْجِعُونَ ﴿٢٨﴾ قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيْكِ كِتَابٌ كَرِيمٌ ﴿٢٩﴾ إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ

وَ إِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿٣٠﴾ أَلَّا تَعْلَمُوا عَلَيَّ وَ أَتُونِي مُسْلِمِينَ ﴿٣١﴾

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ ﴿٣٢﴾

قَالُوا مَحْنُ أَوْلُوا قُوَّةً وَ أَوْلُوا بِأُسِّ شَدِيدٍ وَ الْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانْظُرِي مَاذَا

تَأْمُرِينَ ﴿٣٣﴾ قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَ جَعَلُوا أَعِزَّةَ

أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ ﴿٣٤﴾ وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمِ

يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ ﴿٣٥﴾ فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٍ فَمَا آتَانِيَ اللَّهُ خَيْرٌ

مِمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ ﴿٣٦﴾

ترجمه آیات ۳۶-۲۳

قطعاً من زنی را دیدم که بر مردم «سبا» سلطنت می‌کند و همه چیز دارد و برای او تخت بزرگی است. (۲۳)

من او و قومش را این چنین یافتم که برای خورشید، نه برای خدا، سجده می‌کنند و شیطان اعمالشان را برای آن‌ها جلوه داده و آن‌ها را از راه بازداشته. پس آن‌ها هدایت نخواهند شد. (۲۴)
چرا برای خدائی که آنچه از پنهانی در آسمان و زمین است خارج می‌کند و آنچه را که مخفی می‌کنید و آشکار می‌سازید می‌داند، سجده نمی‌کنند؟ (۲۵)

خدائی که هیچ خدائی جز او که پروردگار عرش عظیمی است، نیست. (۲۶)
سلیمان گفت: به زودی می‌بینیم که تو راست می‌گوئی یا از دروغ‌گویانی. (۲۷)
این نوشته مرا ببر، پس در میان آن‌ها بینداز، سپس برگرد و نگاه کن ببین چه جوابی برای من برمی‌گردانند. (۲۸)

بلقیس گفت: ای بزرگان، نامه خوبی پیش من افتاده شده است. (۲۹)
آن نامه از سلیمان است و چنین نوشته است: به نام خداوند بخشنده مهربان. (۳۰)
اینکه بر من برتری نجوید و به طرف من تسلیم‌شده، بیایید. (۳۱)

بلقیس گفت: ای بزرگان، نظر خود را برای من در این موضوع بگوئید. چون که من هیچ کاری را بدون حضور شما قطعی انجام نداده‌ام. (۳۲)

آن‌ها گفتند: ما صاحبان قوت و قدرت جنگی خوبی هستیم ولی دستور با تو است. ببین چه فرمان می‌دهی؟ (۳۳)

بلقیس گفت: پادشاهان وقتی که وارد قریه‌ای می‌شوند، آن را به فساد می‌کشاند و عزیزان اهل آن را ذلیل می‌کنند و این چنین کارهایی انجام می‌دهند. (۳۴)

و من حتماً نامه‌ای با هدیه‌ای به سوی آن‌ها می‌فرستم. سپس منتظر می‌مانیم، ببینم فرستادگان ما با چه چیز بر می‌گردند. (۳۵)

پس وقتی که فرستاده نزد سلیمان آمد، سلیمان گفت: می‌خواهید به مال به من کمک کنید؟ آنچه را که خدا به من داده است، بهتر است از آنچه که شما به من داده‌اید. بلکه شما به این هدیه‌تان خوشحالید؟ (۳۶)

برداشت از آیات ۳۶ - ۲۳ (قضیه بلقیس)

سالک الی الله باید از قضیه بلقیس استفاده‌های زیر را بکند:

۱ - خانمها نباید در کارهایی که مخصوص مردها است دخالت کنند و سلطنت و حکومت را به عهده بگیرند و الا مملکت را به انحراف می‌کشاند.

۲ - غیر خدا را نپرستد و نگذارد شیطان اعمال بدش را برای او زینت بدهد و راه او را به سوی خدای تعالی ببندد.

۳ - آن قدر بصیرت داشته باشد که وحدانیت خدا را از پرندگان و بیرون آمدن گیاهان از زمین مشاهده کند و عبرت بگیرد.

۴ - اگر خبری در مسائل مهم سیاسی و اجتماعی به او رسید درباره‌اش تحقیق کند تا راست و دروغ مطلب بر او واضح شود.

۵ - اگر کسی به دیگری مطلب نامناسبی را نسبت داد اول از خود او پرسد و یا به وسیله نامه از او سؤال کند و به شنیدنیهایش اکتفا نکند.

۶ - هر که هست نباید با هر مسأله‌ای با غرور و تکبر برخورد کند بلکه باید جوانب قضیه را بررسی کند که اگر آن مسأله از اهمیت خاصی برخوردار است به آن بی توجهی نکند.

۷ - باید تا می‌تواند از بزرگان و عقلاء در کارهای مهم نظریه بگیرد و بدون مشورت با آن‌ها مستبدانه از

خود قاطعیّت نشان ندهد.

۸- اگر با اهل غرور مشورت کرد و آن‌ها نظرات مغرورانه‌ای دادند به آن‌ها حقایق را بفهماند و آن‌ها را از عواقب غرور و تکبر بترساند.

۹- باید در مقابل حرف حق و طرفداران حق کرنش کند و الا اگر عزیز باشد ذلیل خواهد شد.

۱۰- با قدرتمندان به خصوص طرفداران خدا و در زمان ما مجتهد قدرتمند مبسوط الید با خضوع و کرنش برخورد کند و نخواستہ باشد با هدایا و اظهار محبت به اشتباهات خود پایبند باشد.

آیات ۳۷-۴۰ از سوره مبارکه نمل

ارْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَهُمْ بِجُنُودٍ لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَهُمْ مِنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ

صَاغِرُونَ ﴿٣٧﴾ قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوا أَئِكُمُ يَأْتِيَنِ بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي

مُسْلِمِينَ ﴿٣٨﴾ قَالَ عَفَرْتُ مِنَ الْجِنَّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ

وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ ﴿٣٩﴾ قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ

قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي

لِيَبْلُوَنِي ء أَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي

غَنِيٌّ كَرِيمٌ ﴿٤٠﴾

ترجمه آیات ۳۷-۴۰

برگرد به سوی آن‌ها پس ما با لشگری که برای آن‌ها مقابله‌ای نباشد، به سوی آن‌ها خواهیم آمد و ما آن‌ها را با ذلت و خواری از آن سرزمین بیرون خواهیم کرد. (۳۷)

سلیمان گفت: ای بزرگان، کدامیکتان قبل از آنکه آن‌ها تسلیم شده نزد من بیایند، تخت بلقیس را نزد من

می آورد؟ (۳۸)

شخصیت برجسته‌ای از جن گفت: من تخت او را می آورم، قبل از آنکه از جایگاهت برخیزی و قطعاً من بر این کار توانای امینی هستم. (۳۹)

کسی که بعضی از علم کتاب در نزد او بود، گفت: من برای تو قبل از آنکه چشمت را بر هم زنی آن را می آورم. پس وقتی که تخت او را در مقابل خودش گذاشته دید، گفت: این از فضل پروردگار من است تا مرا امتحان کند، آیا من شکر می کنم یا کفران می کنم؟ و کسی که شکر کند، جز این نیست که شکر کرده به نفع خودش و کسی که کفران کند، پس قطعاً پروردگار من بی نیاز کریمی است. (۴۰)

برداشت از آیات ۴۰ - ۳۷ (انسان از اجنه قویتر است)

سالک الی الله باید بداند که اگر بنده واقعی خدا باشد از اجنه قویتر خواهد بود و بیشتر می تواند اظهار قدرت کند زیرا او با علمی که از جانب خدا به او داده شده کار می کند ولی اجنه شاید با علم کتاب صد در صد کار نکنند.

سالک الی الله باید تفضلات پروردگار را مایه امتحان خود بداند و بصیرت پیدا کند که آیا جزء شاکرین هست یا از کفران کنندگان خواهد بود؟

آیات ۴۴ - ۴۱ از سوره مبارکه نمل

قَالَ نَكُرُّوا لَهَا عَرَشَهَا نَنْظُرُ أَتَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ ﴿٤١﴾

فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَهَكَذَا عَرْشُكِ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَ

كُنَّا مُسْلِمِينَ ﴿٤٢﴾ وَ صَدَّهَا مَا كَانَتْ تَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنَّهَا كَانَتْ مِنْ قَوْمٍ

كَافِرِينَ ﴿٤٣﴾ قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَ كَشَفَتْ عَنْ

سَاقِهَا قَالَتْ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرَ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ

ترجمه آیات ۴۴ - ۴۱

سلیمان گفت: تخت او را به او معرفی نکنید تا ببینیم آیا خودبخود به آن راهنمایی می شود یا نمی تواند از کسانی باشد که آن را بشناسد؟ (۴۱)

پس وقتی که آمد به او گفته شد: آیا تخت تو این گونه است؟ گفت: مثل اینکه خود او است و برای ما قبل از این علمی حاصل شده بود و مسلمان شده بودیم. (۴۲)

و این عمل، او را از آنچه غیر از خدا را می پرستید بازداشت. قطعاً او از مردم کافر بود. (۴۳)

به او گفته شد که داخل حیاط شو وقتی که آن را دید، گمان کرد آب بسیاری است، لذا پاهای خود را برهنه کرد. سلیمان گفت: این زمینی از بلور صاف است. بلقیس گفت: پروردگار من، قطعاً من به خودم ظلم کرده ام و من با سلیمان در مقابل پروردگار جهانیان تسلیمم. (۴۴)

برداشت از آیات ۴۴ - ۴۱ (امر به معروف و نهی از منکر)

سالک الی الله باید به هر وسیله ای که می تواند اظهار قدرت کند تا دیگران را هدایت نماید و به خصوص حکام و مدیران و سیاستمداران منحرف را به راه راست وادار کند.